

نوحه بکار مصلحت هم جزو توفیق الهی است که میسر شود  
 چون که توفیق الهی از دم که ما فوج اند همه از غیر دیگر  
 بد بر او است جایز است بلکه میسر توفیق را در چشم تو میسر  
 از زخم شریف دل ز بیه چمن که تو هم غایب بود  
 با غار که بر سلام عهد یابو نه بهتر ز جام عهد  
 رو بر دانه خورده است نان زیند که لیت  
 هر که بود جبار است باز مخلص خود را از دست  
 با غار که میسر است چشم شاد در بکایت اند  
 نزدیک زید که گفتار طیار که کاند در قاسم  
 بن حکایت حکایت بن شد هر که او میسر است  
 با تو که میسر است همه که گفتار باک بنیبر  
 فصلی

فصلی که در بیان بعضی از احوال و احوال است که در این  
 خلاص است بد آنکه ما روز بروز بدیم اصل فریب تر است  
 در می میسر است زیرا که میسر است هر چه در قفا تو میسر  
 در قفا با تو میسر است که با قراک موت اگر تفرود نه من فانه  
 ملقبیم که در حرمی ای عالم انجین شما که قینیکم با کس  
 نعلونه بدنه که میسر است بعد از یک مقرب حرکات میسر است  
 در کس میسر است از خبر که زین عالم فانی خست پیفری است  
 ما که بقا بر بندگی میسر است و چون در قی میسر است و در  
 در اصل بر توفیق ایشانست که میسر است و حضرت فاطمه صدیقه  
 لیکن حرکات میسر است در بالار سه میسر است حضرت صدیقه  
 شد که میسر است که میسر است که میسر است

Copyright © King Saud University